



«حلقات»

درس ۸۷

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار :

مرحوم نایینی، بر خلاف مرحوم آخوند خراسانی، دو تکلیف متضاد را داخل در باب تزاحم دانسته و احکام باب تزاحم را برای حل تنافی بین دو تکلیف جاری کرده است.

ایشان با اجرای قاعده ترتب، مشکلی که برای امتثال دو تکلیف وجود داشت را حل نمود و ثمراتی را نیز برای این قاعده برشمرده است؛ ثمراتی که بنابر دیدگاه مرحوم آخوند و متعارض خواندن دو دلیل، حاصل نمی‌شود. با توجه به هماهنگی شهید صدر با مرحوم نایینی در این نظریه، ایشان به تبیین مفاهیمی که در قاعده ترتب وجود دارد، پرداختند.

در درس گذشته درباره واژه تضاد و ملاک دخول دو تکلیف متضاد در باب تزاحم سخن به میان آمد. در این درس ادامه مبحث گذشته و بیان نوع دیگری از تضاد که از باب تزاحم خارج است را پی می‌گیریم، همچنین به بررسی انواع مزاحمت دو تکلیف باهم می‌پردازیم.

و ثانياً لا ينطبق على الضد الخاصّ في حالة الضدين اللذين لا ثالث لهما لنفس السبب السابق، حيث ان عدم الاشتغال بأحدهما يساوق وجود الآخر حينئذ، و الحال هنا كالحال في النقيضين. و على هذا فعجز المكلف عن الجمع بين واجبين انما يحقق التزامح لا التعارض فيما إذا لم يكونا من قبيل النقيضين، أو الضدين اللذين لا ثالث لهما، و الا دخلت المسألة في باب التعارض. و يمكننا ان نستنتج من ذلك ان ثبوت التزامح، و انتفاء التعارض مرهون بإمكان الترتب الذي يعنى كون كل من الأمرين مشروطاً بعدم الاشتغال بمتعلق الآخر. فكلما أمكن ذلك صح التزامح، و كلما امتنع الترتب كما في الحالتين المشار إليهما، وقع التعارض.

إطلاق الواجب لحالة المزاحمة:

قد تكون المزاحمة قائمة بين متعلقى امرين على نحو يدور الأمر بين امثال هذا، أو ذاك، كما إذا كان وقت الصلاة ضيقاً و ابتلى المكلف بنجاسة في المسجد تفوت مع إزالتها الصلاة رأساً، و قد لا تكون هناك مزاحمة على هذا النحو، و انما تكون بين أحد الواجبين و حصة معينة من حصص الواجب الآخر. و مثاله: ان يكون وقت الصلاة موسعاً، و تكون الإزالة مزاحمة للصلاة في أول الوقت، و بإمكان المكلف ان يزيل ثم يصلى و نحن كنا نتكلم عن الحالة الأولى من المزاحمة. و اما الحالة الثانية فقد يقال انه لا مزاحمة بين الأمرين لإمكان امثالهما معاً، فان الأمر بالصلاة متعلق بالجامع بين الحصة المزاحمة و غيرها، و المكلف قادر على إيجاد الجامع مع الإزالة، فلا تضاد بين الواجبين، و هذا يعنى ان كلاً من الأمرين يلائم الآخر فإذا ترك المكلف الإزالة، و صلى كان قد أتى بفرد من الواجب المأمور به فعلاً.

گفتیم برای دخول دو تکلیف در باب تراحم لازم است تضاد بین آن ها ناشی از ناتوانی مکلف از جمع بین دو امثال باشد؛ اما اگر این تضاد ناشی از مراتب پیش از امثال باشد دو تکلیف متعارض خواهند بود.

ملاک و معیاری که برای فهمیدن منشأ تضاد وجود دارد، امکان اجرای ترتب و عدم امکان آن است. اگر تنافی، با اجرای ترتب بین دو تکلیف متضاد رفع شود، پیداست که مشکل ناشی از ناتوانی مکلف در جمع بین امثالین می باشد؛ اما اگر امکان اجرای ترتب نبود، مشکل به مراتب عمیق تر و پیش از امثال باز می گردد.

استثنائات باب تراحم

اجرای ترتب در دو گونه تضاد ممکن نیست و از باب تراحم خارج اند:
(الف) دو تکلیف متناقض:

گفتیم اجرای ترتب در دو تکلیف متناقض، یا موجب امر به محال است و یا مستلزم تحصیل حاصل و وقوع هیچ کدام از سوی شارع ممکن نیست.

(ب) دو تکلیف متضادی که سومی ندارند:

متضادین دو حالت دارند:

۱. متضادینی که سومی دارند؛ مانند دو رنگ سفید و قرمز که متضاد هستند؛ اما رنگ دیگری ب عنوان رنگ سوم وجود دارد.

۲. متضادینی که سومی ندارند، مانند شب و روز که وجود سومی برای آن ها عقلاً محال نیست؛ اما در عالم واقع سوم ندارند.

اگر دو تکلیف از نوع دوم باشند، همانند دو تکلیف متناقض، ترتب مستلزم تحصیل حاصل است.

توضیح

همان گونه که در دو تکلیف متناقض به دلیل محال بودن امکان شیء سوم، شیء سومی در کار نبود، در این حالت هم بنابر فرض، شیء سومی در کار نیست، اگر چه امکان وقوعی دارد.

عدم وجود شیء سوم سبب می شود که عدم یکی از دو ضد عین وجود ضد دیگر باشد. این مطلب سبب می شود که در صورت اشتراط یک ضد به عدم اشتغال به ضد دیگر، امر مشروط لغو و تحصیل حاصل گردد؛ زیرا با عدم اشتغال به ضد دیگر، متعلق تکلیف مشروط حاصل می گردد و نیازی به امر شارع نسبت به آن وجود ندارد و هم چنان که گفتیم تحصیل حاصل، لغو است و از سوی شارع محال می باشد.

در مورد انشاء این دو تکلیف بصورت مطلق هم، آنچه در مورد متناقضین گفتیم صادق است؛ زیرا جمع بین دو متضادی که سومی ندارند محال است و امر به آن، امر به محال خواهد بود.

بنابراین مشکل در دو تکلیف متناقض و دو تکلیف متضاد که سومی ندارند مربوط به محذوری است که در ناحیه جعل وجود دارد و ناشی از ناتوانی مکلف نیست.

انواع مزاحمت

دو تکلیفی که در باب تزاحم وارد می‌شوند را متزاحمین می‌گوییم و درباره‌ی آن‌ها دو حالت مطرح است:

الف) دو تکلیف در تمام گونه‌های متعلق یکدیگر مزاحمت ایجاد می‌کنند. در این صورت به هیچ عنوان مکلف امکان امتثال هر دو و جمع بین امتثالین را ندارد؛ برای نمونه هنگامی که وقت نماز ضیق است و وجوب فوری ازاله نجاست از مسجد هم بر عهده مکلف است، امکان امتثال هر دو تکلیف برای مکلف وجود ندارد و در صورت امتثال یکی از دو تکلیف، وقت دیگری فوت می‌شود. مباحث گذشته پیرامون موضوع تزاحم، همگی مربوط به این قسم از مزاحمت بود.

ب) یک تکلیف در برخی از گونه‌های تکلیف دیگر مزاحمت ایجاد می‌کند. در این حالت امکان امتثال هر دو تکلیف وجود دارد؛ برای نمونه وقت نماز داخل شده است و وسعت نیز دارد و از سوی دیگر ازاله نجاست از مسجد هم واجب است و مکلف پس از اشتغال به ازاله و پس از امتثال آن، فرصت برای انجام نماز دارد و امکان امتثال هر دو تکلیف برای مکلف مهیا است.

در دخول یا عدم دخول این مورد در باب تزاحم اختلاف وجود دارد.

درباره متزاحمین در برخی گونه‌ها دو قول مطرح است:

الف) عدم دخول مسأله در باب تزاحم؛

ب) دخول مسأله در باب تزاحم.

دلیل قول نخست

علت عدم دخول این فیض در باب تزاحم، نبود معیار و شاخصه باب تزاحم در این فرض است. نشانه و معیار باب تزاحم ناتوانی مکلف از امتثال دو تکلیف است، در حالی که در صورت مزاحمت در ب برخی گونه‌ها، مکلف متمکن از امتثال هر دو تکلیف است و ناتوانی او از امتثال محقق نیست و در نتیجه هیچ دلیلی برای ورود این دو تکلیف در باب تزاحم وجود ندارد.

۱. تضاد اگر بین دو تکلیف متناقض یا بین دو متضادی که سومی ندارند، باشد، از باب تزاحم خارج است.
۲. جعل دو تکلیف متضادی که سومی ندارند، دچار مشکل است و تضاد ناشی از ناتوانی مکلف نیست.
۳. این جعل یا مستلزم امر به محال است و یا موجب تحصیل حاصل می شود.
۴. مزاحمت بین دو تکلیف دو حالت دارد: الف) مزاحمت در تمام گونه ها ب) مزاحمت در بعض گونه ها.
۵. در صورت مزاحمت در تمام حصص امکان امتثال هر دو تکلیف به هیچ وجه برای مکلف وجود ندارد.
۶. در صورت مزاحمت در برخی گونه ها، پس از فراغ از یک تکلیف، امکان اشتغال به تکلیف دیگر وجود دارد.
۷. نسبت به دخول قسم دوم در باب تزاحم، دو قول وجود دارد.
۸. قائلین به عدم دخول دو تکلیفی که برخی از گونه های آن ها با هم مزاحمت دارند، دلیل خود را عدم وجود شاخصه باب تزاحم (ناتوانی مکلف) در این قسم می دانند.